

## اهداف تربیتی مبتنی بر نظریه فطرت در راستای حقوق انسان

### از منظر قرآن

دکتر آذر قلی اف      دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

#### چکیده:

نظریه‌ی فطرت، نظریه‌ای است بنیادی و تبیینی که برگرفته از حقیقتی آسمانی و ملکوتی که همان ودیعه‌ی الهی در نهاد و وجود انسان است و فطرت نام دارد که سرشتی ویژه و منحصر به فرد در وجود اوست و نگاهی ویژه به انسان و حقوق مربوط به او در زندگی فردی و اجتماعی اش دارد و همین نگاه، یکی از عوامل اصلی تمایز بین نظریه اسلامی و غیر اسلامی تربیت است. در این نظریه، فطرت نقش کلیدی در نگاه تربیتی دارد و "بنیاد تربیت"، "مبنای تربیت"، "سرمايه تربیت" و "مقصد تربیت" انگاشته می شود که همه این موارد به نوعی در شکل گیری حقوق انسان نقش دارد. با توجه به نظریه‌ی فطرت که از آیات قرآن کریم مستفاد می‌شود، آیات قرآن کریم، ما را به فرایندی زمینه‌ساز، برای ایجاد تحول تدریجی و شکوفایی استعدادهای فطری نهفته در انسان در همه ابعاد (شناختی، گرایشی و...)، با رفع نواقص و کاستی‌ها و در جهت تحقق رشد و کمالی شایسته او، دلالت می‌دهد. بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر آن است که بر مبنای نظریه‌ی فطرت مشخص شود که چه اهدافی باید در تربیت که مهمترین علت شناخت ما نسبت به حقوق خود و دیگران می باشد، در نظر گرفته شود. برای این منظور، با استفاده از روش پژوهشی توصیفی- تحلیلی، به تعریف دلالت‌های تربیتی نظریه‌ی فطرت بر اساس آموزه‌های قرآن کریم نسبت به اهداف پرداخته شد. با توجه به تحقیق به عمل آمده، مشخص شد که در حوزه‌ی دلالت‌های تربیتی نظریه فطرت نسبت به اهداف تربیت، هدف غایی در تربیت اسلامی به تعبیر مختلف، فلاح، رستگاری و در مسیر عبودیت خدا قرار گرفتن است. و اهداف میانی که ما را به هدف غایی سوق خواهد داد، عبارتند از: خودشناسی، جهان‌بینی صحیح، پرورش شخصیت اجتماعی انسان، تقویت و پرورش روحیه‌ی قدردانی از پدر و مادر، شناخت ارزش‌های ماندگار و مطلوب و پرورش فضیلت جویی، تقویت و پرورش فطرت حقیقت‌جویی، تقویت و پرورش جاودان‌خواهی، حیات طیبه و... است.

واژه‌ها کلیدی: فطرت، تربیت، قرآن، حقوق.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

یک نظام تربیتی که متناسب با هدف آفرینش و سازگار با خلق و خوی همه‌ی آدمیان است، رهنمون می‌سازد و دلالت‌های تربیتی برخاسته از نظریه‌ی فطرت از جمله اهداف تربیتی که از بایسته‌های یک نظام تربیتی هست، دارای یک انسجام و استحکامی خواهند بود که در دیگر نظام‌های تربیتی پیدا نیست.

پژوهش حاضر با عنوان اهداف تربیتی نظریه‌ی فطرت از دیدگاه قرآن کریم، ماهیتی کیفی داشته که در حوزه‌ی تربیت انجام پذیرفته است. نوع این پژوهش بنیادی است چرا که در مسیر تبیین تربیتی نظریه‌ی فطرت قرار دارد و به صورت توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته است.

### مفاهیم

پیش از آنکه وارد بحث اصلی پژوهش شویم، لازم است که برخی مفاهیم پایه، آشنایی لازم و کافی را کسب کنیم، که در این فصل به این مهم پرداخته شده است:

### فطرت

ریشه لغوی واژه «فطرت» «فطر» است که به معنای «شکافتن» یا «شکافتن از طول» یا «چاک زدن»، «اختلال و ایجاد و ابداع»<sup>۱</sup>، همچنین «انشقاق»، «پارگی»، «اختراع»، «خلقت و آفرینش» می‌باشد.<sup>۲</sup> بر

<sup>۱</sup> فخرالدین الطریخی النجفی، مجمع البحرین ج: ۳ ص: ۴۳۸؛ و خلیل بن احمد الفراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص: ۱۸، و همچنین کتاب‌های: احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۱۰، و حسن بن عبدالله العسکری، الفروق فی اللغة، ص: ۱۲۷، و حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۱۱، و سید علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۱۹۲، و فؤاد افراهم بستانی، فرهنگ ابجدی ص ۸۴۷.

<sup>۲</sup> أصل الفطر: الشق طولاً، يقال: فطر فلان کذا فطره، و أفطر هو فطره، و انفطر انفطاره. قال تعالی: هل تری من فطور [الملک/ ۳]، أی: اختلال و وهی فیه، و ذلک قد یكون علی سبیل الفساد، و قد یكون علی سبیل الصلاح قال: السماء منظر به کان وعکة مفعولاً [المزمل ۱۸]. و فطرت الشاة: حلبتها بإصبعین، و فطرت العجین: إذا عجنته فخبزته من وقته، و منه: الفطر. و قطر الله الخلق، و هو إیجاده الشيء و إبداعه علی هیئة مترشحه لفعل من الأفعال... (ابوالقاسم الحسین بن محمد الراغب الأصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴، ص: ۶۴۰).

### ۱- مقدمه

نوع تربیت با نوع نگاه به ماهیت انسان ارتباط زیادی دارد. انسان موضوع تربیت است و تربیت بدون داشتن تصویر و توصیفی از آدمی امکان‌پذیر نیست. دین مبین اسلام، انسان را دارای فطرت بالقوه می‌داند؛ یعنی ویژگی‌هایی که حاصل تعامل با محیط نبوده، مقوم انسان محسوب می‌شوند و اساساً این سری امور فطری است که انسان را شایسته نام انسان کرده است.

مجموعه دیدگاه‌ها و تتبعات در حوزه مفاهیم و گزاره‌ها و باورها در حوزه انسان‌شناسی قرآن با وجود تفاوت در جزئیات، توانسته است این دیدگاه را که انسان با مجموعه‌ای از استعدادها و ویژگی‌های اصیل و ملکوتی پای به عرصه وجود نهاده است، در قالب نظریه فطرت ایجاد کند. این نظریه سعی دارد با ایجاد ساختار منظم و منطقی از گزاره‌ها و اصول مبتنی بر تجربه درونی ضمن فهماندن ماهیت انسان به گونه‌ای که قابل تعمیم باشد؛ زمینه‌ای برای درک بهتر انسان و رفتارهای وی، همچنین اقدام عملی در جهت اصلاح و بهبود رفتارهای وی را فراهم سازد.

در بررسی دلالت‌های تربیتی نظریه فطرت در حوزه تربیت، تأکید اصلی پژوهش بر (فرایند تربیت) خواهد بود. به سخن دیگر به بررسی این موضوع می‌پردازیم که نظریه فطرت و اینکه انسان با خود آورده‌ها و گرایشاتی که به سوی حقیقت جویی یا زیبایی‌خواهی و کمال‌طلبی دارد چه نقشی در فرایند تربیت می‌گذارد. و نیز اهداف، اصول و روش‌های تربیت در حوزه تربیت مبتنی بر این نظریه پیگیری می‌شود.

ضرورت این پژوهش را از این منظر می‌توان مورد پردازش قرار داد، که فطرت آدمی، دارای برخی ویژگی‌هاست که اگر آنها را مد نظر داشته باشیم، ما را به

پیش از این نبوده و در اثر باز شدن و انشقاق چیزی به وجود آمده، می‌باشد.<sup>۷</sup>

### تربیت

از نگاه لغت‌شناسان و نیز برخی صاحب‌نظران در حوزه تربیت، بیشترین کاربردهای معنایی تربیت، از ریشه «ربو» و «ربب» بوده است.<sup>۸</sup> این تنوع معنایی در تربیت در معادل‌های معنایی آن در دیگر زبانها نیز وجود دارد و محور اصلی معانی و تعاریف همین امور است: رایج‌ترین معادل انگلیسی واژه تربیت Education و در فرانسه Pedagogy است. ریشه‌ی یونانی این دو Eduat و Paid با Agogy است. Education به معنای شکوفاندن و زنده کردن امور ذاتی و فطری است و Pedagogy در یونان باستان وظیفه برده‌ای بوده است که اداره و هدایت اطفال را به عهده داشته است. بنابراین، این واژه‌ها نمی‌تواند معادل درست تربیت باشد. بعضا ریشه لاتین این واژه را dux و ducis به معنای رهبر و رئیس و واژه‌های مرکب educere, educare به معنای برکشیدن بیرون کشیدن یا به بیرون راندن، پروردن انسان یا حیوان، می‌دانند. برخی تربیت را معادل Training می‌دانند که به معنای آموزش فنی خاص بوده و به واژه تعلیم نزدیک‌تر است.<sup>۹</sup>

اصطلاح تربیت در منابع تخصصی مربوط به دانش تربیت و دانش‌های مربوطه دارای تنوع معنایی بسیار گسترده-تری است و در تعریف آن اتفاق نظر کمتری وجود دارد.

<sup>۷</sup> أن الفطر اظهار الحادث باخراجه من العدم إلى الوجود كأنه شق عنه فظهر، و أصل الباب الشق و مع الشق الظهور و من ثم قيل فطر الشجر اذا تشقق بالورق و فطرت الاناء شققته و فطر الله الخلق أظهرهم باجاده اياهم.(حسن بن عبدالله العسكري، الفروق فی اللغة، ص: ۱۲۷). همچنین، الفاء و الطاء و الراء أصل صحيح يدل على فتح شىء و إبرازة(احمد بن فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة ج ۴، ص ۵۱۰).

<sup>۸</sup> علیرضا اعرافی، فقه تربیتی همان، ص ۱۲۲؛ و ابن منظور، همان، ج ۱۴، ص ۳۰۶. ماده ربو و حسن مصطفوی، همان، ج ۴ ص ۱۹، ماده ریب.

<sup>۹</sup> غلامحسین شکوهی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، ص ۱۹؛ و میلاره، معنا و حدود علوم تربیتی، ص ۵.

این اساس، در آیه مبارکه «فَطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۳</sup> و دیگر آیات نظیر آن<sup>۴</sup>، «فاطر» که از اسماء الهی است، به این معناست که خداوند متعال آفریدگار همه موجودات، از جمله انسان است و این ایجاد به نوعی اختراعی، ابداعی و بی‌سابقه است.<sup>۵</sup> این معنای از «فطر» مورد قبول همه لغوی‌هاست، بنابراین می‌توان پذیرفت که ریشه‌ی لغوی «فطرت»، «فطر» است.

واژه «فطرت» به جهت ساختار صرفی خاص آن بر وزن «فعله»، علاوه بر دارا بودن معنای فطر، بر کیفیتی خاص از معنای اولیه فطر نیز دلالت دارد. بنابراین، معنا و مدلول فطرت صرفا ایجاد و آفرینش، به همان اطلاق که گذشت، نخواهد بود، بلکه، فطرت در این ساختار خاص، به معنای نوعی از خلقت و آفرینش ابتدایی، بی سابقه و ویژه می‌باشد. ظاهرا این ویژگی به جهت عجین و همراه بودنش با امور خاصی است که بعضاً در مقام بیان معنای لغوی به آن امور نیز اشاراتی می‌شود.<sup>۶</sup> اگر چه این معنای از فطرت تقریبا مشترک بین همه اهل لغت است، اما، برخی نیز با نگاهی دقیق‌تر به همین معنا، به این نتیجه تا اندازه‌ای دقیق‌تر دست یافتند که، فطرت به معنای به وجود آوردن و اظهار وجود موجودی و امر جدیدی، که

<sup>۳</sup> شوری/۱۱.

<sup>۴</sup> «فَطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (یوسف/۱۰۱، زمر/۴۶، انعام /۱۴، و...) و «فَطَّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَيِّفًا» (انعام/۷۹) و «فَطَّرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم/۳۰)، و «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي رُوم/۳۰»، الَّتِي فَطَّرَكُمْ أَوْلَىٰ مَرَّةً» (اسراء/۵۱)، و «وَالَّذِي فَطَّرَنَاهُ (طه/۷۲)، و «الَّذِي فَطَّرَنِي» (هود/۵۱، يس/۲۲، زخرف/۲۷)، الَّتِي فَطَّرَهُنَّ (انبیاء/۵۶) و «هَلْ تُرَىٰ مِنْ فُطُورِ» (ملک/۳)، و «السَّمَاءُ مَنفُطَّرٌ بِهِ» (مزمّل /۱۸)، و «تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ» (مریم/۹۰، شوری /۵)، و «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ» (انفطار/۱).

<sup>۵</sup> (فطر) قوله تعالى: فاطر السموات [ ۱۴ / ۶ ] أي خالقها و مبتدعها و مخترعها، من فطره يفطره بالضم فطرا: أي خلقه (معجم البحرين ج : ۳ ص : ۴۳۸).

<sup>۶</sup> فطر الله الخلق، أي: خلقهم، و ابتدأ صنعه الأشياء، و هو فاطر السماوات و الأرض و الفطر: التي طبعت عليها الخليفة من الدين. فطرهم الله على معرفته بربوبيته. و منه: حديث: النبي صلى الله عليه و كل مولود يولد على الفطرة حتى يكون أبواه يهودانه و ينصرانه و يمجسانه. (خليل بن احمد الفراهيدي، كتاب العين، ج ۷، ص: ۴۱۸). در مباحث آتی، به مناسبت، به این بعد معنایی بیشتر توجه خواهد شد.

معنای اصطلاحی هدف، همان معنای لغوی آن است، و اگر با عنوان موضوعی همراه شود، هدفی که آن موضوع در پی گرفته است را بیان می‌کند. بنابراین منظور از هدف تربیتی این خواهد بود که نهایت و غایتی است که یک نظام تربیتی، برای رسیدن به آن تلاش می‌کند چیست.

تعیین اهداف در عین اینکه نشان دهنده نقطه مطلوب است، محرکی برای آغاز فعالیت‌ها به شمار می‌آید. هر فعالیتی اعم از آموزشی و غیرآموزشی اگر فاقد هدف باشد، راه به جایی نمی‌برد و یا اگر نتیجه‌ای دهد، فایده کارایی و اثربخشی لازم است. لذا تعیین اهداف یکی از مهم‌ترین امور در هر امری است.<sup>۱۶</sup>

### چیستی فطرت

درباره ماهیت فطرت و فطریات، توافق اندکی میان مدافعان و مخالفان آن وجود داشته است. افلاطون، دکارت، لایب نیتس و جمع دیگری از عقل‌گرایان موافق وجود فطرت در انسان، و جان لاک و بیشتر تجربه‌گرایان، مارکسیست‌ها و اگزیستانسیالیست‌ها نیز از برجسته‌ترین منکرین فطرت در انسان هستند و تمام دریافت‌های انسان را ناشی از تجربه می‌دانند. اثبات یا رد این نظریه، رکن مهمی در دو مکتب عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی است.<sup>۱۷</sup>

اندیشمندان اسلامی، در مورد وجود فطرت، در نهاد آدمی هیچ اختلاف نظری با هم ندارند، و همه‌ی آنها به بودن حقیقتی به نام "فطرت" در نهاد آدمی، اقرار دارند، اگرچه در مورد ماهیت و چیستی آن شاید با هم نظرات

در عین حال، در هر کدام از تعاریف ارائه شده، گوشه‌ای از واقعیت بیان شده و بخشی از راه طی شده است.

تربیت یا تربیت اسلامی، در یک کلمه، الهی و موحد بار آوردن انسان است. به گونه‌ای که خدا را به عنوان رب یگانه جهان و انسان بشناسد و به عنوان رب خویش برگزیند و به ربوبیت او تن دهد و از ربوبیت غیر او بگریزد.<sup>۱۰</sup> برخی نیز با هدف قرار دادن تحول آدمی زاده به مرتبه انسانیت، آنهم از طریق شناخت ارزش‌های والای انسانی و بهینه شدن این ارزش‌ها در وی، این تحول را در فرایند تربیت جستجو کرده و آن را به معنای فرایندی برای شناساندن ارزش‌های والای انسانی به انسان می‌دانند. به گونه‌ای که آنها را فهم کرده، در خویش درونی کند و آن را به کار گیرد.<sup>۱۱</sup>

### هدف تربیتی

هدف یک واژه عربی است و جمع آن «اهداف» است. هدف در لغت، به معنای هر چیز مرتفع مانند ساختمان، تپه و کوه به کار رفته و گویا «غرض» یا همان نشانه‌ی تیراندازی، نیز از این جهت که در ارتفاع قرار داده می‌شده، هدف نامیده شده است. به هر حال، هدف مطابق یک معنا، همان «غرض» است.<sup>۱۲</sup> در معنای لغوی واژه‌ی «هدف» در فرهنگ‌های مختلف فارسی، این معانی ذکر شده است: «۱. هر چیز بلند و برافراشته از بنا و ریگ توده و کوه و پشته و مانند آن. ۲. مرد بزرگ جثه. ۳. نشانه‌ی تیر.»<sup>۱۳</sup>؛ ۴. غرض، ۵. مقصود، ۶. نشانه‌ی تیر. ۷. نشانه<sup>۱۴</sup>»

خسرو باقری، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۲.

میر عبدالحسین نقیب زاده، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ص ۱۹.

رک. الجوهري، الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۴۲؛ الخلیل الفراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۲۸-۲۹ و ۳۶۴؛ الطریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۳؛ و الزبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۲۷۳.

علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، واژه‌ی "هدف"،<sup>۱۳</sup>

حسن عمید، فرهنگ عمید، واژه‌ی "هدف"،<sup>۱۴</sup>

محمد معین، فرهنگ فارسی معین، واژه‌ی "هدف"،<sup>۱۵</sup>

محمد علی حاجی ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، انتشارات جامعه<sup>۱۶</sup>  
المصطفی(ص) العالمیه، ص ۴۶-۴۸.

<sup>۱۷</sup> محمدحسن قدردان قراملکی، خداشناسی فطری، ادله و شبهات، مجله قیسات، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۳۶.

در نتیجه دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. مثلاً، از هر نوع خطایی مصون است.<sup>۲۳</sup>

از دیدگاه امام خمینی(ره)، فطرت، حقیقت، حالت و هیئت خاصی از آفرینش انسان بما هو انسان و از لوازم وجود اوست که خداوند آن را در اصل خلقت و آفرینش انسان در خمیرمایه وجودی اش نهاده است. به گونه‌ای که منشاء حرکت انسان به سوی کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه اوست. از این جهت فطرت الهی انسان منشاء جمیع خیرات، حسنات، کمال و سعادت مطلقه است. این حقیقت و هیئت خاصی که در آفرینش انسان نهاده شده است، به گونه‌ای است که خداوند جمیع معارف حقه را نیز مفطور انسان قرار داده است. به گونه‌ای که انسان همه آنها را بالفطره و بالبداهه در می‌یابد.<sup>۲۴</sup>

### فطرت از دیدگاه قرآن

از منظر قرآن، فطرت، اصلی همگانی در وجود تمامی انسان‌ها است و آفریده‌ی الهی می‌باشد که در عوالم پیش، عهد و پیمان بر استواری آنان بر این فطرت مستودع خویش، از آنان گرفته است اگر چه به دلیل وجود موانعی، این اصل اصیل، مورد نسیان و غفلت و فراموشی قرار گیرد و فطرت که امری آفرینشی و صفتی سرشتی و ذاتی است، ویژگی‌هایی دارد که همه آن‌ها از تحلیل خود فطرت به دست می‌آیند و اثبات آن برای فطرت به دلیل (واسطه در اثبات) نیاز ندارد. و آنکه اصول معارف نظری و احکام و اخلاق که زیربنای شخصیت معنوی و کمال روحی او را تشکیل می‌دهند، از فطرت انسانی سرچشمه می‌گیرند. یعنی آفرینش او به گونه‌ای طراحی

مختلفی داشته باشند، اما در مورد وجود این حقیقت، نظر واحدی دارند، و آن اقرار به وجود حقیقتی به نام فطرت است. اما در میان اندیشمندان غیرمسلمان، اختلاف نظرات وجود دارد، که در زیر به آن پرداخته می‌شود.

فطرت بر اساس برخی اصول حکمت متعالیه امری بالقوه است که در شرایط خاصی بر اثر سیوروت و حرکت جوهری به فعلیت می‌رسد.<sup>۱۸</sup>

آیه‌الله میزراحمحمدعلی شاه‌آبادی(ره)، فطرت الهی انسان را ایجاد الهی و نیز کیفیت و چگونگی ایجاد می‌دانند. این گونه خاص از ایجاد، از لوازم ذات و وجود انسان بوده<sup>۱۹</sup>، غیر قابل تغییر و تبدیل است<sup>۲۰</sup>. و چون خداوند ذات انسان را به دست خود ساخته<sup>۲۱</sup> و مطابق ذات مقدس خود سرشته است<sup>۲۲</sup>، فطرت الهی نیز که از لوازم آن است، از همان سنخ و هماهنگ با همان مقام بوده و

<sup>۱۸</sup> عباس احمدی سعیدی، درآمدی بر نظریه فطرت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، پژوهشنامه‌ی فلسفه و دین، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۴، صفحه ۱۷۳-۱۹۳.

<sup>۱۹</sup> مرحوم شاه آبادی، با ذوق حکمی و عرفانی که داشتند، از آیه شریفه «فطر الناس علیها» و بیان کیفیت فطرت الهی انسان، با استفاده از استعمال حرف «علی» معتقدند فطرت الهی انسان از لوازم ذات و خمیرمایه اصلی انسان است. (رک: میرزا محمد علی شاه آبادی، همان، ص ۱۱۴ و ۱۱۵).

<sup>۲۰</sup> لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (روم/۳۰).

<sup>۲۱</sup> قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي.. (ص/۷۵).

<sup>۲۲</sup> «ان الله خلق آدم علی صورته» (خداوند آدم را به صورتش آفرید). در باره مضمون این روایت گزارش‌های متفاوتی بیان شده است. از جمله: عن محمد بن مسلم قال:

سألت أبا جعفر عليه السلام عما يروون ان الله خلق آدم علی صورته؟ فقال: هي

صورة محدثة مخلوقة اصفاها الله و اختارها علی سایر الصور المختلفة، فأضافها إلى نفسه كما أضاف الكعبة إلى نفسه، و الروح إلى نفسه فقال: «بيتي» و تفخت فيه من

روحي» (عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، نورالتقلین (۱۱۰۳). همچنین در

معنای این حدیث گفته شده که خداوند انسان را به صورتی مخصوص و شکل و هیئت آفریده که یا با چشم دیده می‌شود و یا با بصیرت یا چشم دل یا هر دو و به

وسيله آن صورت او را بر بسیاری از آفریده‌هایش تفضیل داده است. اضافه شدن صورت در حدیث فوق به خدای سبحان بر سبیل - ملک است نه بر سبیل بعضی یا

جزء یا تشبیه که او متعالی از اینهاست و این اضافه در حدیث بخاطر شرافتی است که برای انسان هست، مثل عبارات - بیت الله - و - ناچه الله - و مانند اینها. (حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص: ۴۳۲)

<sup>۲۳</sup> رک: میرزا محمد علی شاه آبادی، رشحات البحار تصحیح، تحقیق و ترجمه، زاهد ویسی، چاپ دوم، مقاله «الانسان و الفطره»، ص ۳۱۳ و شرح رشحات البحار، نورالله شاه آبادی، چاپ اول، ص ۲۲۰.

<sup>۲۴</sup> روح الله الموسوی الخمينی (ره)، چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمينی، ص ۱۸۰ و همو، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸۳-۷۵.

هدف غایی، هدفی است که برای پایان کار تربیت در نظر گرفته شده است و پس از آن هدفی دیگری تصور نمی‌شود. هدف نهایی آخرین مطلوب و مقصودی است که شایسته است به دنبال آن باشیم. هدف غایی، ارزشی ذاتی دارد و تمام مقصد این فرایند، در سطح فرد و اجتماع (خرد و کلان)، تحقق این هدف است و پس از آن هدفی دیگر وجود ندارد و مطرح نمی‌شود.

منظور از اهداف واسطه‌ای یک سری غایت‌های کلی است که برای تبدیل شدن به رفتارهای جزئی باید مشخص‌تر شوند. این اهداف نسبت به هدف نهایی وسعت و محدوده کمتری دارند و حد واسطه بین هدف نهایی و اهداف رفتاری و جزئی‌اند.<sup>۲۵</sup>

تعیین هدف نهایی و اهداف مرحله‌ای گرچه ضروری و لازم است، ولی جایگزین برنامه‌ها و شیوه‌های تربیتی نمی‌شود. تعیین هدف یا اهداف، همانند علامت، نور و یا جهتی است که مسیر را نشان می‌دهد، ولی علاوه بر آن، باید مشخص شود که مورد تربیت در چه مرحله‌ای از رشد قرار دارد، و تاکنون چه مراحل را طی نموده است، و استعدادها و مختلف او چگونه است، و این مسیر را تا این مرحله به چه صورت و چگونه پیموده است. به هر حال، تعیین هدف یا اهداف تربیتی، گرچه کافی نیست، ولی لازم می‌باشد.<sup>۲۶</sup>

### هدف غایی تربیتی مبتنی بر نظریه‌ی فطرت

با مراجعه به قرآن می‌توان هدف غایی تربیت را دارای سه وجه دانست، که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

و صورت بندی شده است، که این حقایق را درک نموده و نسبت به آنها عشق می‌ورزد. هم آنها را می‌شناسد و هم می‌ستاید، هم می‌فهمد و هم می‌خواهد، هم می‌داند و هم می‌جوید. با این همه فطرت علت تامه اعتنا کردن انسان به چنین معرفت‌های فطری نیست و این بدان جهت است که انسان موجودی است تصمیم‌گیرنده و انتخاب‌گر که در برابر پیام‌های فطرت، می‌تواند دوگونه عکس‌العمل داشته باشد: عکس‌العمل مثبت و منفی. یعنی هم می‌تواند نسبت به نعمت و موهبت فطرت سپاس‌گزار باشد، و هم می‌تواند ناسپاس و کفران‌کننده. چنان که قرآن می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا»؛ (ما راه سعادت را به انسان نشان داده‌ایم، او یا سپاسگزار است یا ناسپاس). از این رو ممکن است دو گونه عوامل در فطرت تاثیر بگذارند. حال، یا تاثیر مثبت و سازنده و یا تاثیر منفی و ویران‌گر. البته این دو تاثیر متضاد دراصل واقعیت فطرت نیست، بلکه در ترتب آثار و نتایج عملی فطرت است.

### تبیین اهداف تربیتی در نظریه‌ی فطرت

در هر مکتب و سبک تربیتی، با توجه به مبناهای تربیتی متفاوتی که دارند، یک تعریف و شناخت اصطلاحی از هدف مطرح می‌گردد و آن نقطه یا نقاطی که در پایان فرایند و در میانه‌ی مسیر تربیتی بدان دست می‌یابند را به عنوان هدف تربیتی تعریف می‌کنند. بنابراین، تربیت مبتنی بر نظریه‌ی فطرت هدفمند است و همین هدفمندی والاترین ارزش است.

در یک تقسیم‌بندی اهداف تربیتی، که تقریباً مورد قبول همه بوده و تمام انواع اهداف تربیتی را نیز پوشش می‌دهد، اهداف تربیتی به دو قسم «هدف نهایی یا غایی (اهداف برتر)» و «اهداف وسیله‌ای و واسطه‌ای (اهداف میانی و مقدماتی)» تقسیم می‌شوند.

<sup>۲۵</sup> گروه نویسندگان، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ص ۳۹.

<sup>۲۶</sup> حسنعلی نوربها، مبانی و اهداف تربیتی، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی

- عرفانی امام خمینی (ره) - جلد ۸، مقالات اخلاقی (۱)، ص ۵۸۴.

## ۱. خدا، هدف غایی تربیت

از آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که مرجع و منتهی و غایت حرکت آدمی، به سوی خدای سبحان است. «وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»<sup>۲۷</sup> همه‌ی امور به خدا باز می‌گردد؛ «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ»<sup>۲۸</sup> محققا بازگشت به سوی خداست؛ «وَ أَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»<sup>۲۹</sup> و کار خلق به سوی خدا منتهی می‌شود (که او منتهای آمال عارفان و نیاز نیازمندان است)؛ «وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا»<sup>۳۰</sup> و امور عالم همه به خدا باز می‌گردد؛ «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي»<sup>۳۱</sup> (به اهل ایمان، خطاب لطف رسد که: ای نفس قدسی مطمئن و دلارام (به یاد خدا) امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود، و او راضی از (اعمال) تو است باز آی و در صف بندگان خاص من در آی، و با خشنودی در بهشت من داخل شو.

## ۲. سعادت، هدف غایی تربیت

از دیدگاه قرآن کریم، در روز جزا که زمان گرفتن نتیجه آزمون بزرگ زندگی است، انسان‌ها یا سعادت‌مندان یا در زمره شقاوت‌مندان قرار می‌گیرند: «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ»<sup>۳۲</sup> و سعادت‌مندان، در بهشت خداوند جاودان خواهند زیست: «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَهُمْ فِي أَلْحَىٰ خَالِدِينَ فِيهَا»<sup>۳۳</sup> گرچه «سعادت» تنها در همین دو آیه به کار رفته است ولی در قرآن کریم حدود ۴۰ آیه با استفاده از مشتقات «فلح» و در حدود ۳۳ آیه با استفاده از مشتقات «فوز» از سعادت بحث شده است. بحث از سعادت یا رستگاری در واقع معطوف به

شناساندن اعمال و حالاتی است که آدمی را بدان می‌رساند و گرنه برای خود فلاح و سعادت، هدف دیگری در آیات قرآن ذکر نشده است که سعادت مقدمه رسیدن به آن باشد. از این‌جا می‌توان نتیجه گرفت که فلاح و سعادت هدف نهایی و مطلوب ذاتی انسان است؛ از این‌رو آیات بسیاری متعرض عوامل رسیدن به سعادت است؛ برای مثال، تقوای الهی: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۳۴</sup> عبادت خداوند و انجام کارهای نیک،<sup>۳۵</sup> دوری از بخل و طمع‌ورزی<sup>۳۶</sup> را عامل فلاح و رستگاری انسان می‌داند؛ نیز آیاتی بیانگر موانع فلاح است و ستم‌گری: «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»<sup>۳۷</sup> و کفر: «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ»<sup>۳۸</sup> را از موانع فلاح انسان می‌شمرد. فوز هم مانند فلاح به‌طور معمول با ذکر عوامل یا موانع تحقق آن در آیات قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است. یکی از عوامل فوز، پیروی از خداوند و رسول گرامی او و رضایت خداوند از انسان است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»<sup>۳۹</sup> «وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۴۰</sup>.

## ۳. عبودیت، هدف غایی تربیت

در تفسیر نمونه آمده است: «بدون شک هر فرد عاقل و حکیمی که کاری انجام می‌دهد هدفی برای آن در نظر دارد، و از آنجا که خداوند از همه عالم‌تر و حکیم‌تر است بلکه با هیچ کس قابل مقایسه نیست این سؤال پیش می‌آید که او چرا انسان را آفرید؟ آیا کمبودی داشت که با آفرینش انسان بر طرف می‌شد؟! آیا نیازی داشته که ما

<sup>۲۷</sup> مائده، ۱۰۰.

<sup>۲۸</sup> حج، ۷۷.

<sup>۲۹</sup> حشر، ۹.

<sup>۳۰</sup> انعام، ۲۱.

<sup>۳۱</sup> مؤمنون، ۱۱۷.

<sup>۳۲</sup> احزاب، ۷۱.

<sup>۳۳</sup> توبه، ۷۲.

<sup>۳۴</sup> مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرةالمعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۳۷۶.

<sup>۳۷</sup> بقره / ۲۱۰.

<sup>۳۸</sup> علق، ۸.

<sup>۳۹</sup> نجم، ۴۲.

<sup>۴۰</sup> هود، ۱۲۳.

<sup>۴۱</sup> فجر، ۲۷-۳۰.

<sup>۴۲</sup> هود، ۱۰۵.

<sup>۴۳</sup> هود، ۱۰۸.

(رحمت) آنها را آفریده" بر طبق این آیه رحمت الهی هدف اصلی آفرینش انسان است. اما آیات مورد بحث تنها روی مساله عبودیت و بندگی تکیه می‌کند، و با صراحت تمام آن را به عنوان هدف نهایی آفرینش جن و انسان معرفی می‌نماید. اندکی تامل در مفهوم این آیات، و آنچه مشابه آن است، نشان می‌دهد که هیچ تضاد و اختلافی در میان آنها نیست، در واقع بعضی هدف مقدماتی، بعضی متوسط و بعضی هدف نهایی‌اند و بعضی نتیجه آن. هدف اصلی همان "عبودیت" است که در آیات مورد بحث به آن اشاره شده، و مساله "علم و دانش" و "امتحان و آزمایش" اهدافی هستند که در مسیر عبودیت قرار می‌گیرند، و "رحمت واسعه خداوند" نتیجه این عبودیت است.<sup>۴۵</sup>

#### اهداف واسطه‌ای تربیتی مبتنی بر نظریه‌ی فطرت

تربیت فطرت انسان، و دستیابی به کمال غایی و هدف غایی در تربیت او، مستلزم عبور از مراحل است که به تعبیری اهداف مقدماتی، واسطه‌ای و میانی تربیت فطری نامیده می‌شوند، و می‌توان تحقق این اهداف را شرط دستیابی و وصول به هدف نهایی نامید و عدم تحقق این اهداف میانی و واسطه‌ای را مساوی با ناموفق بودن فرایند تربیت فطری دانست. به اختصار به برخی از آنها می‌پردازیم:

#### ۱. خودشناسی

یکی از اهداف میانی که انسان در مسیر دستیابی به هدف غایی تربیت فطری خویش باید بدان دست یابد تا بتواند این مسیر را به درستی و توان هرچه بیشتری، بیپیماید، شناخت خود و قابلیت‌ها و توان و استعدادهای خدادادی‌ای است که خالق فطرت در درون او به ودیعه نهاده است.

را برای پاسخگویی به آن آفریده است؟! در حالی که می‌دانیم وجود او از هر جهت کامل و بی‌نهایت در بی‌نهایت است و غنی بالذات. پس طبق مقدمه اول باید قبول کنیم که او هدفی داشته، و طبق مقدمه دوم باید بپذیریم که هدف او از آفرینش انسان چیزی نیست که بازگشت به ذات پاکش کند. نتیجتاً باید این هدف را در بیرون ذات او جستجو کرد، هدفی که به خود مخلوقات بازمی‌گردد، و مایه کمال خود آنها است، این از یک سو. از سوی دیگر در آیات قرآن تعبیرهای مختلفی در باره هدف آفرینش انسان شده است. در یک جا می‌خوانیم: **الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا**:<sup>۴۲</sup> او کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش کند کدامین نفر بهتر عمل می‌کنید؟! در اینجا مساله آزمایش و امتحان انسانها از نظر "حسن عمل" به عنوان یک هدف معرفی شده است. و در آیه دیگر آمده است: **اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا**:<sup>۴۳</sup> خداوند کسی است که هفت آسمان را آفریده و از زمین نیز مانند آن خلق کرده است، فرمان او در میان آنها نازل می‌شود تا بدانید خداوند بر هر چیز توانا است، و علم او به همه موجودات احاطه دارد". و در اینجا "علم و آگاهی از قدرت و علم خداوند" به عنوان هدفی برای آفرینش آسمانها و زمین (و آنچه در آنها است) ذکر شده است. در آیه دیگر می‌خوانیم: **وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ - إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ**:<sup>۴۴</sup> اگر پروردگارت می‌خواست همه مردم را "امت واحده" (و بدون هیچگونه اختلاف) قرار می‌داد، ولی آنها همواره مختلفند - مگر آنچه پروردگارت رحم کند، و برای همین

<sup>۴۲</sup> ملک، ۲.

<sup>۴۳</sup> طلاق، ۱۲.

<sup>۴۴</sup> هود، ۱۱۸ و ۱۱۹.

<sup>۴۵</sup> ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۸۴.



وحدت و توحید و پیوستگی ربوبی و آفرینش و منشأ اختلاف است، پس از آن ائتلاف و تعاون: *كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ ...*<sup>۵۰</sup> و ما كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ...<sup>۵۱</sup> در این مرحله درگیری و رشد آن، آگاهان و حبی «النبیین» برانگیخته می‌شوند تا با آگاه نمودن مردم به توحید مبدأ و منشأ و مسیر و هدف و مسئولیتها و ارائه حقوق یکسان، آن وحدت آفرینشی و فطری را با اختیار و آگاهی و تعقل، زنده و فعال گردانند و اختلافات عارضی را از میان بردارند: *وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ. وَ افراد و گروه‌ها به گونه اعضای یک واحد و شخصیت اجتماعی شوند و همه در خدمت یکدیگر و فرمانبر یک مبدأ و کوشا برای رشد و کمال شخصیت اجتماعی باشند. در چنین اجتماعی، مراقبت و ضمانت اجرای مسئولیتها و جلوگیری از انحراف و ظلم به عهده و جدان آگاه ایمانی و مراقب مراقبت خدا است: *إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيكُمْ رَقِيبًا. رقیب، کسی است که با احاطه و از هر جهت اعمال و رفتار را زیر نظر دارد.*<sup>۵۲</sup>*

### ۳. تقویت و پرورش روحیه قدردانی و

#### سپاسگزاری از پدر و مادر

خدایی که انسان مسیر وصول به او و قرب او را در تربیت فطری خود دنبال می‌کند، پس از امر به عبادت خویش و شرک نوزیدن به او، امر به نیکی به پدر و مادر<sup>۵۳</sup> و اطاعت از آنان در مسیر بندگی خود<sup>۵۴</sup>، می‌کند و این خود بیانگر این حقیقت است که قدردانی و سپاسگزاری از پدر و مادر به عنوان ولی نعمتان انسان، که حق بسیار بزرگی بر گردن انسان دارند، یکی از اهداف میانی در تربیت فطرت انسان می‌تواند باشد.

قرآن با اشاره به این توانمندی می‌فرماید: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ؛ انسان بر خودش آگاه است»<sup>۴۶</sup>. بصیرت در اصطلاح قرآن به مفهوم بینش صحیح است. آیه در مقام این است که آدمی استعداد و توانمندی‌ای دارد که می‌تواند به صورت مستقیم یا با راهنمایی پیامبران الهی شناخت جامعی از خویشتن داشته باشد. از این روی، در تفسیر آیه گفته شده است بصیرت، بینش صحیح درونی و ادراک قلبی است و آیه حاکی از آن است که انسان دارای بصیرت و شناخت جامعی نسبت به خودش می‌باشد.<sup>۴۷</sup>

### ۲. پرورش شخصیت اجتماعی انسان

یکی دیگر از اهداف میانی در تربیت فطری انسان، پرورش شخصیت اجتماعی انسان است، چرا که انسان، علاوه بر شخصیت فردی خویش، بعدی اجتماعی دارد و انسان فردی از جامعه انسانی خواهد بود که مرتبط با دیگر آحاد انسانی است و آنان در کنار یکدیگر این جامعه را تشکیل خواهند داد خداوند متعال در قرآن کریم نیز به این جامعه انسانی ارزش می‌دهد و پیدایش گروه‌های مختلف انسانی را منتسب به خود می‌داند<sup>۴۸</sup> و این اختلافات قومی و قبیله‌ای و زبانی و چهره‌ای را از نشانه‌های خود می‌شمارد.<sup>۴۹</sup>

وحدت ربوبی و منشأ تکوین و پیوستگی رحمی، در آفرینش همی حاکم و جاری است. اگر عوامل عارضی بازدارنده و جدا کننده و انحرافی در میان نیاید. و حاکمیت وحدت و جریان آن را باز ندارد. راه یافتن سودجویی و سپس رشد حاکمیت فردی و طبقه‌ای از علل و عوامل اصلی اختلاف و مانع جریان و استحکام

<sup>۵۰</sup> بقره/ ۲۱۳

<sup>۵۱</sup> یونس، ۱۹.

<sup>۵۲</sup> محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۶، ص ۵۵.

<sup>۵۳</sup> البقره، ۸۳.

<sup>۵۴</sup> العنکبوت، ۸.

<sup>۴۶</sup> القیامة، ۱۴.

<sup>۴۷</sup> محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۹۲.

<sup>۴۸</sup> الحجرات، ۱۳.

<sup>۴۹</sup> الروم، ۲۲.

## ۵. شناخت ارزشهای ماندگار و مطلوب و پرورش فضیلت جویی

پرورش فضیلت جویی، که به عنوان یکی از اهداف تربیت در اسلام معرفی شده است، به معنی هدایت و دستگیری انسان در شناختن فضیلت‌ها و ردیلت‌ها و تقویت گرایش به فضائل و زدودن موانع این گرایش است و هدف‌های کلی زیر نیز در جهت دستیابی به هدف مذکور می‌باشد:

- ۱- پرورش روحیه مراقبت از رفتار خود و ضبط نفس و حسابرسی خویش؛
- ۲- تقویت میل به کسب فضائل و مکارم اخلاقی و پیراستن نفس از رذائل و آلودگی‌های اخلاقی؛
- ۳- شناخت نفس و اعتقاد به کرامت انسان و سرمایه‌های وجودی او.<sup>۶۲</sup>

## ۶. تقویت و پرورش فطرت حقیقت جویی، حق طلبی و پیروی از حق

حقیقت جویی به معنای گرایش یافتن به حقیقت مطلق و اصل همه حقیقت‌های دیگر که همانا «حضرت حق جلّ جلاله» می‌باشد، از اهداف تربیت مبتنی بر فطرت است، چرا که عشق ورزیدن انحصاری به حقیقت اصیل، مستلزم جستن و یافتن آن حقیقت است. «حق طلبی» نیز که مراد از آن در اینجا سرفروداوردن، کرنش و تواضع در برابر حق است، می‌تواند در همین راستا از اهداف تربیت مبتنی بر فطرت به حساب آید. از آیه ۵۵ سوره انبیاء «قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ»<sup>۶۳</sup> این معنا به دست می‌آید که حتی مشرکان نسبت به اصل حق واکنش مثبت نشان می‌دادند و آن را می‌پذیرفتند و آنچه که مانع در سر راه پذیرش حق بود، تردید آنان نسبت به حقانیت دعوت حضرت ابراهیم(ع) بوده است. بنابراین اگر به حقانیت دست می‌یابند، اصل حق را بطور فطری پذیرا بودند.

احسان به پدر و مادر از سوی قرآن مورد سفارش اکید قرار گرفته: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»<sup>۵۵</sup> و مفسران احسان به والدین را نوعی احترام آنان دانسته‌اند.<sup>۵۶</sup> در آیه ۸۳ بقره/ ۲ از احسان به والدین به صورت میثاق خداوند از بنی‌اسرائیل یاد شده است: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» و در ۴ مورد از جمله سوره اسراء، امر به احسان به پدر و مادر پس از فرمان به عبادت خداوند واقع شده است که نشانه اهمّیت آن است:<sup>۵۷</sup> «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»<sup>۵۸</sup> چنان‌که امر به تشکر از پدر و مادر، پس از امر به شکرگزاری از خداوند آمده است: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ»<sup>۵۹</sup> نکره بودن احسان دلیل بزرگی آن است و لزوم رعایت همه امور در حق آنان را بیان می‌کند. افزون بر این، لزوم احترام به پدر و مادر به مؤمن بودن آنان مقید نشده است.<sup>۶۰</sup>

## ۴. شناخت مربی و شرایط مختص او

فطرت برای رسیدن به سعادت و کمال خود، به تنهایی قادر بر پیمودن این مسیر نیست و احتیاج به یاور و نیرویی دارد که بتواند او را در این مسیر کمک کند و این نیرو همان مربی فطرت و عبارت است از پیامبران الهی که خداوند آنان را برای راهبری انسان به سمت مسیر هدایت و کمال در درون مسیر تربیتی آنان قرار داده است. از مصادیق آیه وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يَذُرْكَ الْمَوْتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ، کسی است که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود.<sup>۶۱</sup>

<sup>۵۵</sup> بقره، ۸۳ نساء، ۳۶.

<sup>۵۶</sup> آلوسی بغدادی، روح المعانی، ج ۱، ص ۴۸۶.

<sup>۵۷</sup> . فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۱۶۵.

<sup>۵۸</sup> اسراء، ۲۳.

<sup>۵۹</sup> لقمان، ۱۴.

<sup>۶۰</sup> فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۱۶۵.

<sup>۶۱</sup> محمدکلینی، اصول کافی ج ۱ ص ۳۷۸.

<sup>۶۲</sup> محمدعلی حاجی ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۶۳.

<sup>۶۳</sup> گفتند: آیا حق را برای ما آورده‌ای یا شوخی می‌کنی!؟

الْحَمِيدُ»<sup>۶۸</sup> و آیات بسیار دیگری که به بیان‌های مختلف این نکته اساسی را به انسان گوشزد کرده است.

#### ۸. تقویت و پرورش جاودان خواهی

گرایش به جاودانگی و خلود در انسان و گرایش به اموری که جاودانه هستند و یا به خیال انسان ابدی می‌باشند، گرایش‌هایی فطری‌اند چرا که فطرت انسان، به هرچه کمالش می‌داند، گرایش پیدا می‌کند و جاودانگی را هم یکی از کمالات در زندگی می‌داند

دلیل بر این مدعا نیز آن سیاستی است که شیطان در بهشت برای فریب آدم پیش گرفت و با بهره بردن از این گرایش فطری جاودان خواهی، او را فریب داد: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبُلَى»<sup>۶۹</sup> «ابلیس به آدم گفت آیا می‌خواهی به درختی راهنمایی کنم که با خوردن میوه آن عمری جاودان و سلطنتی دایمی داشته باشی؟»

#### ۹. حیات طیبه

افزون بر این حیاتی که در انسان و سایر موجودات جان دار می‌شناسیم و آثار آن را مشاهده می‌کنیم و در قرآن از آن تعبیر به «حیات دنیوی» شده است، قرآن افق‌های گسترده تری را به عنوان «حیات طیبه» یا «حیات اخروی» در چشم انداز ما نمایان می‌سازد. قرآن کریم با صراحت به این حقیقت اشاره می‌کند که انسان به وسیله ایمان و عمل صالح و سیر در طریق عبادت می‌تواند به حیات برتر یا حیات طیبه نایل آید و باید هدف خود را حیات طیبه قرار دهد. قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ ۖ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به

#### ۷. تقویت و پرورش گرایش فطری به بی‌نیاز مطلق و حقیقی

عامل ضعف و ناتوانی ذاتی انسان در اداره امور خارجی و روحی و روانی خود، احساس نیاز به موجود بی‌نیاز را که غالباً ناخودآگاه و پنهان است را در عمق جان انسان به وجود آورده است و این گرایش در فطرت همه انسانها وجود دارد و تغییر و تبدیل نیز در آن ممکن نیست: «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»<sup>۶۴</sup> توجه به این صفت ذاتی، مهمترین عامل در راهیابی انسان به سوی خالق خود و خدای واحد است.

اگر آدمی این ضعف و فقر را دقیقاً احساس کند، متوجه خدای خویش می‌گردد و گرایش به خدا، زاییده همان احساس نیاز و فقر وجودی است. از این رو با تقویت این احساس و تشدید آن، میل و گرایش مذکور نیز نیرومندتر و اثر آن در زندگی بیشتر خواهد شد. انحراف انسان، از اشتباه او در یافتن مصداق بی‌نیاز نشأت می‌گیرد. وقتی او در تشخیص بی‌نیاز مطلق از نیازمند دچار اشتباه گردید، آنچه را که مانند خود فقیر و نیازمند است به جای مبدأ اصلی انتخاب کرده، به سوی آن میل می‌کند، و از اینجاست که یکی از مهمترین رسالت‌های انبیای الهی را می‌توان همین بیدار کردن انسان از غفلت و شناساندن بی‌نیاز حقیقی دانست. چنانکه در قرآن کریم بارها سخن از غنا و بی‌نیازی خداوند و فقر و نیاز انسان به میان آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»<sup>۶۵</sup> «...وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ»<sup>۶۶</sup> «... وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ»<sup>۶۷</sup> «...لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ

<sup>۶۴</sup> الروم، ۳۰.

<sup>۶۵</sup> فاطر، ۱۵.

<sup>۶۶</sup> محمد، ۳۸.

<sup>۶۷</sup> سوره بقره، ۲۶۷.

<sup>۶۸</sup> حج، ۶۴.

<sup>۶۹</sup> طه، ۱۲۰.

مقام رضوان الهی سعادت و کمال مطلوب را برای انسان به همراه دارد، لذا تمام آنچه فطرت به دنبال آن است را تأمین می‌سازد بنابراین دلالت تامی ایجاد خواهد شد. در این نظریه‌ی تربیتی، نقطه آغاز فرایند تربیت انسان استعدادها، محض و البته برخی فعلیت‌های بسیار محدود است که با فراهم شدن زمینه‌ها، به تدریج به شکوفایی و فعلیت تمام می‌رسد. تا جایی که می‌تواند به کامل‌ترین موجود در جهان هستی تبدیل گردد. این یعنی تحقق هدف نهایی فرایند تربیت در این نظریه.

اهداف تربیتی مبتنی بر نظریه‌ی فطرت عبارتند از: (۱) خود شناسی. (۲) پرورش شخصیت اجتماعی انسان. (۳) تقویت و پرورش روحیه قدردانی و سپاسگزاری از پدر و مادر. (۴) شناخت مربی و شرایط مختص به او. (۵) شناخت ارزشهای ماندگار و مطلوب و پرورش فضیلت جویی. (۶) تقویت و پرورش فطرت حقیقت جویی و حق طلبی. (۷) تقویت و پرورش گرایش به بی‌نیاز مطلق و حقیقی. (۸) تقویت و پرورش جاودان خواهی، (۹) حیات طیبه.

### سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود. از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود. از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

### ۷- منابع

- قرآن کریم.
- ابن‌جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالتقلین، به کوشش رسولی محلاتی، چهارم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش.
- احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.

جای آورد، ما او را در زندگانی خوش و مورد پسند، زنده می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می‌کنیم. مطابق این آیه، خداوند می‌فرماید هر کس عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، به او زندگی جدیدی به عنوان «زندگی مطبوع و دل‌پسند» عطا می‌کنیم. این زندگی جدید و پاکیزه، در مقایسه با زندگی دنیوی به قدری برتر و دارای ارزش والاتری است که قرآن از این زندگی تعبیر به «میت» (یا مرده) می‌نماید و از آن زندگی برتر، تعبیر به نور کرده و می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا». آیا کسی که مرده [جهل و ضلالت] بود پس ما او را زنده کردیم و برای او روشنی و نوری قرار دادیم که با آن میان مردم [سرافراز] رود مثل او، مانند کسی است که در تاریکی‌ها فرو شده و از آن به در نتواند گشت؟ ادر این آیه شریفه، برخوردار از نور خاص الهی را از آثار حیات والاتر بیان می‌نماید و با وضوح کامل به آن اشاره می‌فرماید.<sup>۷۰</sup>

### جمع بندی و ذکر نتایج

مقام و مرتبه «عنداللهی» و یا «رضوان الهی»، که اثر شکوفا شدن و به کمال رسیدن همه استعدادها، فطری انسان قابل تحقق است، نهایی ترین هدف در نظریه تربیتی مبتنی بر فطرت الهی انسان است و تمامی اهداف تربیتی میانی و واسطه‌ای در این الگو، اموری‌اند که برای تحقق هدف یاد شده، به عنوان هدف تربیتی معتبرند و برای تعیین و ترسیم آن نیز معیارهایی مد نظر است. به بیانی دیگر در فرایند تربیت مبتنی بر فطرت الهی انسان، تربیت و پرورش وی به گونه‌ای است که به مقام «عنداللهی» یا «رضوان الهی» دست یابد و از آنجا که

<sup>۷۰</sup> ر.ک: حسنعلی نوربها، مبانی و اهداف تربیتی، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره) - جلد ۸، مقالات اخلاقی (۱)، ص ۵۹۱-۵۹۲.



- احمدی سعدی، عباس، درآمدی بر نظریه فطرت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، پژوهشنامه‌ی فلسفه و دین، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۴، صفحه ۱۷۳-۱۹۳.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، به کوشش محمد حسین عرب، اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- باقری، خسرو، نگاهی دو باره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۳ ه.ش.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ش.
- حسنعلی نوربها، مبانی و اهداف تربیتی، مجموعه آثار کنگره اندیشه های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره) - جلد ۸، مقالات اخلاقی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ اهداف تربیت ازدیدگاه اسلام درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، نشر سمت، ۱۳۹۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۶ ه.ش.
- شاه آبادی، میرزا محمدعلی، رشحات البحار تصحیح، تحقیق و ترجمه، زاهد ویسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، ۱۳۸۷ ه.ش.
- شکوهی غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۱۸ ه.ش.
- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، ج ۶، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ه.ش، چاپ ۴.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ه.ش.
- عباس‌نژاد، محسن، قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی، پژوهش: حسینی، ابوالقاسم، بهادرخان، جواد، واعظ موسوی، مهدی، شریعتی، محمدکاظم، افروغی، جواد، فغفور مغربی، حمید، مشهد، بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ ه.ش.
- فخر الرازی، محمد عمر، التفسیر الکبیر، چهارم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- فراهیدی ابن منظور، عبدالرحمان الخلیل بن أحمد، العین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، یک جلدی، ۲۰۰۱ م.
- قراملکی، احد فرامرز، کارکرد معرفتی نظریه فطرت در اندیشه استاد مطهری، دو فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه علم، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳ - شماره ۳۰ و ۳۱ علمی-ترویجی (وزارت علوم) // ISC ۱۴ صفحه - از ۱۱۹ تا ۱۳۲).
- قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، به کوشش محمد حسن بکایی، اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ ش.
- کلینی رازی ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، علق علیه علی اکبر الغفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ ه.ش.
- گروه نویسندگان؛ زیر نظر محمد تقی مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، چاپ دوم، ۲۰۰۱ م.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره‌ المعارف قرآن کریم، ۱۰ جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.
- موسوی الخمینی، سیدروح الله، شرح چهل حدیث. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ ش.
- موسوی الخمینی، سیدروح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، ۱۳۹۱.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۹ ه.ش.

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,  
Magiran, Ensani, GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)  
forth Year, Issue 13  
, Pages 77-90

## Educational goals based on the theory of nature in line with human rights From the perspective of the Qur'an

Dr. Azar Gholif

Ph.D. in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, University of  
Tehran, Tehran, Iran; Visiting professor at Al-Zahra University,  
Tehran, Iran.

### Abstract

The theory of nature is a fundamental and explanatory theory that is derived from a heavenly and kingdom truth which is the same divine deposit in the institution and existence of man, and it is called nature, which is a special and unique nature in his existence, and a special view of man and his rights in It has its individual and social life, and this view is one of the main factors that differentiate between Islamic and non-Islamic theories of education. In this theory, nature plays a key role in education, and it is considered the "foundation of education", "basis of education", "capital of education" and "destination of education", all of which somehow play a role in the formation of human rights. According to the theory of nature that is used from the verses of the Holy Qur'an, the verses of the Holy Qur'an lead us to a grounding process, to create a gradual transformation and flourishing of the natural talents hidden in humans in all dimensions (cognitive, tendency, etc.), by removing the defects and It indicates the shortcomings and in the direction of realizing the growth and perfection he deserves. Therefore, in the current research, it is tried to determine based on the theory of nature, what goals should be considered in education, which is the most important reason for our knowledge about our own and others' rights. For this purpose, by using the descriptive-analytical research method, the educational implications of the theory of nature were defined based on the teachings of the Holy Quran regarding the goals. According to the research carried out, it was found that in the field of educational implications of the theory of nature in relation to the goals of education, the ultimate goal in Islamic education in various ways is welfare, salvation and being on the path of God's worship. And the intermediate goals that will lead us to the ultimate goal are: self-knowledge, correct worldview, development of human social personality, strengthening and cultivating the spirit of gratitude to parents, recognition of lasting and desirable values, and cultivation of virtue, strengthening and cultivating nature. Seeking the truth is strengthening and nurturing the desire for immortality, good life, etc.

**Key words:** nature, upbringing, Quran, law.

**JEL Classification:** Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

---

\* Corresponding author: [dr.azar@gmail.com](mailto:dr.azar@gmail.com)